

عدالت در تلازم  
با توحید مطرح  
می شود که هر دو  
از اهداف اصلی  
انبیای الهی بوده  
است. اگر انسان به  
خدا ایمان بیاورد  
و این ایمان تجلی  
اجتماعی پیدا  
کند، یعنی از صرف  
ایمان عبور کند  
و به عمل صالح  
منجر شود، عمل  
صالح انسان، همان  
عدالت می شود.

پس انسان عادل به سه نیاز اساسی رشد و تکامل توجه دارد: ۱. تدارک تربیت آنچه که مسئولیت آن ها با او است؛ یعنی امکانات رشد و ارتقای آن ها را فراهم کند؛ ۲. تدارک امنیت آنچه مسئولیت آن ها با او است. یعنی آنچه این ها دارند و مالکش هستند، از شان نگیرد؛ ۳. تدارک آزادی؛ یعنی مانع رشدشان نشود و اگر مانعی در برابر رشدشان است آن موانع را بردارد. دولت عادل نیز به تدارک تربیت، امنیت و آزادی مردمش برای رشد و پیشرفت اهتمام دارد.

## عدالت برای قدرت

آیا عدالت ذاتی انسان است؟ عدالت ورزی چطور؟ تردیدی نیست که دوست داریم دیگران در قبال ما به عدالت عمل کنند. اما آیا انسان می خواهد خودش نیز به عدالت عمل کند؟ آیا انسان فطرتاً و طبعاً عدالت گرا است؟ دیدگاه بیشتر فلاسفه امروز دنیای غرب بر این است که انسان ذاتاً عدالت گرا نیست.

فرض کنید فقط یک کیک خوشمزه در برابر دو کودک علاقه مند به آن کیک وجود دارد. اگر کیک را به یک کودک بدهیم و از او بخواهیم خودش آن را با کودک دیگر تقسیم کند او چه می کند؟ اگر آنجا نمایم و نظارت نکنیم ممکن است یا همه کیک را خودش بخورد یا قسمت بسیار ناچیزی از کیک را به کودک دیگر بدهد. بنا به تعبیر «فرارگیری پرده جهل، عمل در شرایط انصاف» در نظریه عدالت جان رالز، اگر فرد بداند قانونی که خودش وضع می کند درباره خود او هم اجرا می شود، هیچ دلیلی ندارد که منافع خودش را در قانون گذاری لحاظ نکند. نیچه نیز معتقد است که انسان ها طالب قدرت اند، نه طالب عدالت. انسانی که قدرتمند است، جوایز عدالت نیست؛ بلکه این انسان های ضعیف اند که عدالت را مطالبه می کنند؛ طالب عدالت اند، چون زورشان به طرف مقابل نمی رسد. همچنین طرف مقابل را به تبعیض وادار می کند؛ ظالم است، چون زور و قدرت دارد.

در علوم سیاسی و روابط بین الملل گفته می شود که صحنه روابط بین الملل، صحنه عدالت نیست، بلکه صحنه قدرت است. پس برو قوی شو اگر راحت جان طلبی، که در نظام طبیعت ضعیف پایمال است.

آمریکا در موضوع پرونده فناوری هسته ای با عدالت رفتار می کند یا با زور و قدرت؟ یا اگر آمریکایی ها بدانند که در جنگ با ایران پیروز می شوند آیا یک ثانیه هم برای آغاز جنگ درنگ می کنند؟ آن ها هنگامی به عراق حمله کردند که دانستند هیچ تهدیدی در آنجا وجود ندارد. این فقط سخن نیچه نیست، بلکه توماس هابز نیز همین را می گوید. به باور هابز، انسان گرگ انسان است. انسان دریده نمی شود جز به دست انسان دیگری. حال برای اینکه انسان ها همدیگر را ندرند چه کنیم؟ هابز گفته است که یک لویاتان بالای سر همه